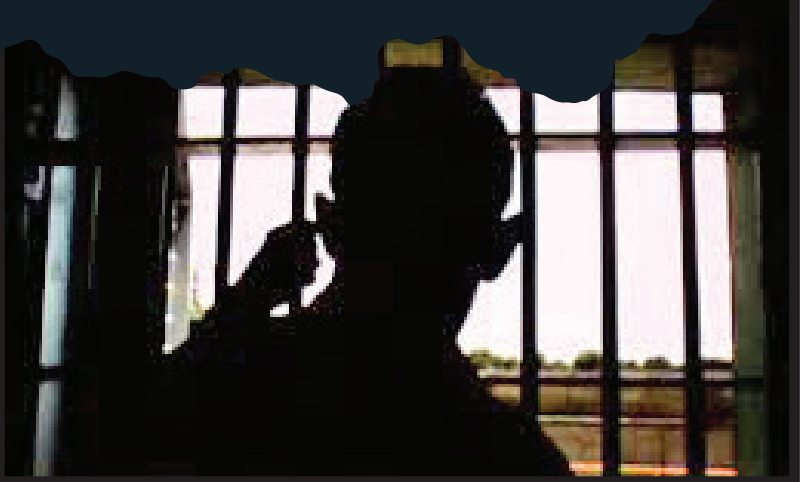


داس طمع بر ریشه زندگی



صدیقی

سال ها از آن روزی که داس برکت را بر زمین گذاشت و به جای آن داس طمع در دست گرفت می گذرد؛ داسی که با آن روزهای خوب جوانی اش را درو کرد و دچار وسوسه ای شد که زندگی اش را تار و مار کرد. دیدار یک دوست او را از راه حقیقت به بیراهه و سنگلاخ کشاند و از کانون گرم خانه پشت میله های زندان انداخت.

به گفته مرد زندانی، وقتی با طناب پوسیده وسوسه دوستش وارد این گرداب خانمان سوز شد هیچ وقت فکر نمی کرد روزی به چنین سرنوشت غم انگیزی دچار شود چون در خیالش زندان را فقط برای دیگران فرض می کرد. در ادامه گفت و گوی خبرنگار ما را با سوداگر زندانی از نظر می گذرانید.

به چه جرمی و چند وقت است که در زندان هستی؟

به جرم قاچاق مواد مخدر و بیراهه رفتن بیش از ۴ سال است که در حبس هستم.

از تو چه مقدار مواد کشف شد؟

با بیش از ۳۰ کیلوگرم مواد از نوع سنتی دستگیر شدم. بابت این خلافم بیش از ۱۰ سال حکم حبس برام صادر شد.

آیا متاهل هستی و چقدر سواد داری؟

۵ فرزند دارم و تا مقطع راهنمایی بیشتر نتوانستم درس بخوانم.

شغل ات چه بود؟ چرا وارد کار قاچاق شدی؟

در یکی از روستاها کشاورزی می کردم. دلایل مختلفی دارد و مهم تر از همه به خاطر دوستان ناباب و طمع وارد این بازی دوسر باخت و خطرناک شدم. سوم راهنمایی ترک تحصیل کردم و مشغول کشاورزی و بعد از ازدواج صاحب چند فرزند شدم، بعد از آن چرخ زندگی مان به کندی می چرخید. در تهیه مخارج زندگی و هزینه تحصیل بچه ها دچار مشکلاتی شدم و از طرفی درآمد کشاورزی جوابگوی هزینه های مان نبود و هر روز بدهکارت می شدم. هر چقدر تلاش می کردم هشت مان گرو نه مان بود و در جا می زدم، این داستان ادامه داشت تا این که وارد کار قاچاق مواد شدم.

چطور با قاچاقچیان آشنا شدی؟

قاچاقچیان غریبه نبودند، آن هارامی شناختم. درواقع از دوستان قدیمی من بودند که زیاد باهم در ارتباط نبودیم. بعد از این که درآمد کشاورزی جوابگو نبود به مشکل مالی خوردم و دنبال راه حل می گشتم تا از مخمصه ای که در آن گیر افتاده بودم رها شوم. مدتی گذشت تا این که روزی در خیابان تصادفی با یکی از دوستان

ماود جا به جا می کردند و سابقه زیادی در این کار داشتند. مدتی به این منوال گذشت تا این که روزی به همراه دوستان سابقه دارم با چندین کیلو مواد سنتی سوار یک خودروی شخصی شدیم و به سمت مقصد راه افتادیم، به خیال این که دوستان قاچاقچی ام در کارشان حرفه ای هستند و اتفاقی پیش نمی آید. در همین خیال باطل و توهم بودم که نزدیک مقصد، دستگیر و روانه زندان شدیم چون دوستانم سابقه دار و تحت نظر بودند.

خانواده ات بعد از این که زندانی شدی چه کار کردند؟

خانواده ام مانند خانواده های امثال من دچار مشکلات زیادی شدند و با سختی امرارمعاش می کردند.

خانواده ات به ملاقات می آیند؟

زیاد نمی توانند به ملاقاتم بیایند چون ساکن یک شهر دیگر هستند و به خاطر دوری راه و مشکل مالی ملاقات ماهانه ممکن نیست.

اگر آزاد شوی باز هوای قانون گریزی به سرت می زند؟

این ماجرا برام گران تمام شد و به خاطر قانون گریزی حسابی به سختی اقدام و برای همین هیچ وقت بعد از آزادی از زندان به این گونه کارهای بیهوده دست نخواهم زد.

با این کارم آبروی خودم و خانواده ام را پیش فامیل و آشنایان حراج و آن ها را درگیر گرفتاری های زیادی کردم. اگر از زندان آزاد شوم دور دوستان ناباب خط می کشم و مثل سابق داسم را بر می دارم و مشغول کشاورزی می شوم، شاید درآمد آن کم باشد اما همین که بدون دغدغه و استرس شب سرم را بر زمین بگذارم به همه ثروت های غیر مشروع می ارزد.

دوستم با چند نفر در قالب جا به جایی مسافر بین شهرها مواد جا به جایی کردند و سابقه زیادی در این کار داشتند

قدیمی ام برخورد کردم و به اصرار او سوار ماشین اش شدم و چند ساعتی داخل شهر دور زدیم، ناخواسته سفره دلم را پیش او باز و همه چیز را از سیر تا پیاز برایش تعریف کردم. دوستم با دقت به حرف های من گوش و هر چند وقت یک بار سرش را به نشانه تایید تکان می داد. تا این که موقع پیاده شدن شماره تلفن اش را به من داد و گفت کار نان و آب داری برام سراغ دارد، منتظر تماسش باشم. بی سبرانه منتظر تماسش بودم تا این که این اتفاق افتاد و سر قرار رفتم.

او بعد از کمی مقدمه چینی یک راست سراغ اصل مطلب رفت و تعریف کرد که با چند نفر از دوستانش مدتی است در زمینه قاچاق مواد با هم کار می کنند و در این مدت حسابی به زندگی شان سامان داده اند. در واقع مسافر کشی دوستم فقط پوششی برای کارهای خلافش بود، او از این طریق مواد جا به جا می کرد. وقتی صحبت هایش را شنیدم اول کمی دودل بودم و ترس داشتم اما دوستم چنان با اعتماد به نفس و مطمئن از کارش می گفت که خام حرف های قشنگ و وسوسه انگیزش شدم و پیشنهادش را قبول کردم.

چطور مواد قاچاق می کردید و کجا گیر افتادید؟

دوستم با چند نفر در قالب مسافر کشی بین شهرها

سر گیجه عروس از دست مادر شوهر خرافاتی

یک مشت خرافات برای داشتن نوه پسر

صدیقی

روزی دعانویس چیزهایی را برام روی کاغذ کهنه ای نوشت و رو به مادر شوهرم گفت آن تکه کاغذ را با مقداری جوشانده یک گیاه چند مرتبه به خورد من بدهد تا قفل پسر دار نشدن مان بشکند. با این که حالم از خرافات و دعانویسی به هم می خورد و آن ها را دروغگو می دانستم اما چاره ای نداشتم یا باید خانه را ترک یا به دستورات مادرشوهرم طبق نسخه رمال عمل می کردم.

بار اول که مقداری از جوشانده یک گیاه را به همراه آب آن تکه کاغذ سر کشیدم بدجوری حالم به هم خورد و مادر شوهر خرافاتی ام این اتفاق را نشانه اثر کردن دعا می دانست چون رمال به او گفته بود اگر حالم بد شد، نشانه اثر دعاست.

با فشار مادر شوهرم چند روز از آن استفاده کردم تا این که روزی با خوردن جوشانده گیاه مورد نظر رمال حالم به شدت بد شد و از روی پله ها به پایین سقوط کردم و متأسفانه چنین سقط شد. بعد از این ماجرا مادر شوهرم نه تنها اعتقادش به رمال و دعانویس کم نشد بلکه من را مقصر ماجرا می دانست و مدام سرم داد می زد که اگر در در را تحمل می کردم و از جابیم بلند نمی شدم اکنون تلاش های او و دعانویس جواب می داد. بعد از مرخص شدن از بیمارستان وقتی دیدم مادر شوهرم دست بردار نیست با راهنمایی یکی از دوستانم به دادگاه خانواده آمدم تا شاید با کمک مشاوران بتوانم افکار بوچ و خرافاتی خانواده شوهرم را اصلاح کنم و خودم برای زندگی ام تصمیم بگیرم و در دام افراد رمال نیفتم.

فکر می کردم از دست خرافات و رمال بازی خانواده ام راحت شده ام و دیگر روی دعانویس را نخواهم دید اما غافل از این که فقط خانه ام عوض شده است، حتی اعتقاد خانواده شوهرم به خرافات و رمالی بیشتر از خانواده خودم بود.

مادر شوهرم دست مادرم را در رفتن پیش رمال از پشت بسته بود. زلزله در زندگی من زمانی شروع شد که مادر همسرم دلش نوه پسر می خواست چون قبل از من جاری هایم هیچ کدام صاحب فرزند پسر نشده بودند و سر این ماجرا مادر شوهرم می خواست به هر قیمتی که شده با رمالی و دعا نویسی به آرزویش برسد.

بدبختی هایم از زمان بارداری شروع شد، مدام مادر شوهرم من را نزد یک رمال و دعانویس در حاشیه شهر می برد تا با نسخه ای که او می پیچید صاحب پسر شوم.

رمال حيله گر هر بار به نوعی پیاز داغ ماجرا را زیاد می کرد تا از این طریق ما را سر کیسه کند. با این که اصلاً اعتقادی به رمالی و دعانویسی نداشتم اما چاره ای نداشتم و مجبور بودم هر داروی گیاهی را که تجویز می کند، بخورم. شوهرم اصلاً جرئت نمی کرد روی حرف مادرش حرفی بزند چون می ترسید اگر به دستورات او عمل نکند و صاحب پسر نشود با تحریک پدرش او را از ارث محروم کند.

این دوران رفت و آمد مداوم به جای دکتر نزد دعانویس و رمال ادامه داشت تا این که اواخر بارداری ام و حساسیت مادرشوهرم زیاد شد.

سرقت با بیهوشی زن دست فروش

فرد یا افرادی با بیهوش کردن یک زن دست فروش حاصل دسترنجش را به یغما بردند. زنی که در حاشیه یک خیابان در هسته مرکزی شهر دست فروشی می کرد بعد از ظهر یک روز، طعمه سارق یا سارقان شد و تمام پول هایش را به یغما بردند. یکی از شاهدان در این باره گفت: بعد از ظهر یک روز وقتی از خانه بیرون آمدم ناگهان وسط کوچه با زن میانسانی که بیهوش روی زمین افتاده بود، روبه رو شدم. بعد از این اتفاق سریع با اورژانس تماس گرفتم و با همسایه ها پلیس را در جریان گذاشتیم. زن بیهوش سریع به بیمارستان منتقل و چند روزی در آن جا بستری شد. بعد از چند روز مطلع شدیم زن دست فروش به خاطر وجه نقد همراهش توسط فردی یا افراد ناشناسی به وسیله ماده بیهوشی از هوش رفته بود و پول هایش را به سرقت برده بودند.

خسارت بارندگی به ۴ روستا

بارش های دوشنبه به ۴ روستای قلعه جق، ناهه، دونگل و محمد علی پهلوان بجنورد خسارت وارد کرد. به گزارش روابط عمومی فرمانداری شهرستان بجنورد، معاون هماهنگی امور عمرانی فرمانداری با اعلام این خبر افزود: بارش ناگهانی باران باعث تلف شدن دو رأس دام سبک و آب گرفتگی ۴ دامداری در روستای قلعه جق، آسیب رسیدن به یک دامداری در روستای شهدای ناهه و قطع برق در دو روستای دونگل و محمدعلی پهلوان شد که بلافاصله با هماهنگی و اعزام اکیپ های امدادی جمعیت هلال احمر و شرکت توزیع نیروی برق بجنورد به روستاهای خسارت دیده امداد رسانی انجام شد. وی خاطرنشان کرد: برآورد ریالی خسارات وارد شده ناشی از بارش ناگهانی توسط تیم های کارشناسی اعرامی از دستگاه های مسئول انجام خواهد شد.

آگهی نوبتی مشمولین سه ماهه دوم سال ۱۳۹۸ حوزه ثبتی شهرستان مانه و سملقان

بنا به دستور ماده ۵۹ و ۴۶ آئین نامه قانون ثبت اسناد و املاک اشخاصی که نسبت به املاک واقع در بخش ۴ بجنورد که حدود آن طبق آگهی های سابق آگهی شده و نسبت به املاک از قلم افتاده بخش مذکور بعداً شماره گذاری شده و تا آخر شهریور ماه ۱۳۹۸ درخواست ثبت نموده اند و همچنین املاکی که در گردش ثبتی آنها اشتباهی رخ داده و یا اینکه طبق اختیارات حاصله و رأی هیئت نظارت بایستی آگهی نوبتی آن تجدید و اصلاح گردد به شرح زیر آگهی می شود. بخش ۴ بجنورد شش دانگ بستر رودخانه اترک به مساحت ۱۹۷۴۸۳۳ مترمربع تحت پلاک ۸۶۸ فرعی از ۴۸ - اصلی واقع در اراضی پیش قلعه بخش ۴ بجنورد مورد تقاضای دولت جمهوری اسلامی ایران به نمایندگی وزارت نیرو (شرکت سهامی آب منطقه ای خراسان شمالی) با شناسه ملی ۰۳۲۶۸۹۹-۱۰۸۶۰ لذا به موجب ماده ۱۶ قانون ثبت، هر شخصی نسبت به اصل املاک فوق الذکر واخواهی و اعتراض دارد بایستی از تاریخ نشر اولین آگهی نوبتی اول آبان ۱۳۹۸ تا ۹۰ روز دادخواست خود را مستقیماً به اداره ثبت اسناد و املاک مانه و سملقان تسلیم و رسید دریافت دارد و همچنین به دستور ماده ۱۷ قانون ثبت چنانچه نسبت املاک مندرجه در آگهی بین متقاضیان ثبت از اشخاص دیگری قبل از انتشار این آگهی دعوی اقامه شده در جریان قانونی باشد اقامه کننده دعوی بایستی ظرف مدت مقررره فوق گواهی دادگاه را معشر بر جریان دعوی در دادگاه صالحه تحمیل و به این اداره تسلیم دارند والا حق او ساقط خواهد شد و نیز تجدید حدود املاک فوق طبق ماده ۱۴ قانون ثبت به ترتیب شماره شروع و به عمل خواهد آمد واخواهی بر حدود و حقوق ارتفاقی نیز طبق مدلول ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتمجلس تجدید حدود در ظرف ۳۰ روز پذیرفته خواهد شد. این آگهی برابر قانون ثبت و آئین نامه مربوطه فقط در ۲ نوبت به فاصله ۳۰ روز به شرح ذیل منتشر خواهد شد. **تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۸/۰۸/۰۱** **تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۸/۰۹/۰۲**

بشیرخانی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک مانه و سملقان

۳۴۹/م/الف

۹۸۰۹۷۲۱۱/ر

آگهی تحدید حدود اختصاصی ثبت املاک یک قسمت از بخش پنج حوزه ثبتی شهرستان اسفراین

پیرو آگهی قبلی به موجب ماده چهارده قانون ثبت اسناد و املاک تحدید حدود شماره زیر: قریه حسن آباد قصبه پلاک شصت و پنج (۶۵) اصلی ۱۴۰۰ فرعی مفروز از ۱۱۳ فرعی خانم اشرف جاهدی فرزند حسن شش دانگ یک باب منزل در روز دوشنبه ۱۳۹۸/۰۸/۲۷ ساعت ۹ الی ۱۲:۳۰ قبل از ظهر در محل به عمل خواهد آمد. (در اجرای قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی) لذا به موجب ماده چهارده قانون ثبت اسناد و املاک به صاحبان املاک و حقوق ارتفاقی و مجاورین شماره فوق الذکر به وسیله این آگهی اخطار میگردد که در روز و ساعت بالا در محل حضور به هم رسانند چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشد مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین، تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود ارتفاقی و نیز صاحبان املاک و حقوق ارتفاقی که در موقع مقرر حاضر نبوده اند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط تا سی روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترضی ثبتی، معترضین میبایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت اسناد ظرف مدت یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مراجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم را از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند.

تاریخ انتشار: چهارشنبه ۱۳۹۸/۰۸/۰۱

اکبر اقبالی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اسفراین

۱۶۰/م/الف

۹۸۰۹۷۲۱۸/ر

قابل توجه خانواده بزرگ

چری و ام وی ام سواران

در خراسان شمالی

چکاپ رایگان تمامی محصولات مدیران خودرو

این هفته در اسفراین

میدان مادر، جنب دانشگاه دولتی



نمایندگه غلامی

۳۹۷۵



مدیران خودرو




۰۵۸۳۲۳۱۴۹۲۱-۲۳

اطلاعات بیشتر و هماهنگی

۰۹۱۵۷۹۴۰۰۸۶-۰۹۱۵۷۹۴۰۰۹۶

۹۸۰۹۷۲۱۷/ر